ای گروه انصار، آیا شما را گمراه نیافتم و الله متعال به وسیله ی من شما را هدایت نکرد؟ آیا پراکنده و متفرق نبودید که الله متعال به وسیله ی من شما را گرد هم جمع نموده و متحد و یکپارچه نمود؟ آیا فقیر نبودید که الله متعال به وسیله ی من شما را ثروتمند نمود؟

از عبدالله بن زید بن عاصم روایت است که می گوید: وقتی الله متعال در روز حنین غنیمت نصیب پیامبرش نمود، ایشان غنایم به دست آمده را بین مردم و مولفة قلوبهم تقسیم کرد و چیزی از غنایم به انصار نداد؛ گویا به همین دلیل که چیزی از غنایم به آنها داده نشد، اندکی ناراحت شدند؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را مخاطب نمود و فرمود: «يَا مَعْشَرَ الأَنْصَار، أَلَمْ أَجِدْكُمْ ضُلاَّلاً فَهُدَاكُمْ اللَّهُ بِي؟ وَكُنْتُمْ مُتَفَرِّقِينَ فَأَلَّفَكُمْ اللَّهُ بِي؟ وَعَالَةً فَأَغْنَاكُمْ اللَّهُ بِي؟»: «ای گروه انصار، آیا شما را گمراه نیافتم و الله متعال به وسیله ی من شما را هدایت نکرد؟ آیا پراکنده و متفرق نبودید که الله متعال به وسیله ی من شما را گرد هم جمع نموده و متحد و یکپارچه نمود؟ آیا فقیر نبودید که الله متعال به وسیله ی من شما را ثروتمند نمود؟». و هر بار که رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی از این سوالات را می پرسید، می گفتند: فضل و منت الله و رسولش بر ما، بیش از این بوده است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تُجِيبُوا رَسُولَ اللَّهِ؟»: «چه چیزی شما را از پذیرفتن عملکرد فرستاده ی الله باز می دارد؟». گفتند: فضل و منت الله و رسولش بر ما، بیش از این بوده است. آنگاه فرمود: «لَوْ شِئْتُمْ لَقُلْتُمْ: جِئْتَنَا كَذَا وَكَذَا. أَلا تَرْضَوْنَ أَنْ يَذْهَبَ النَّاسُ بِالشَّاةِ وَالْبَعِيرِ، وَتَذْهَبُونَ برسول الله إِلَى رِحَالِكُمْ؟ لَوْلا الْهِجْرَةُ لَكُنْتُ امْرَأً مِنْ الأَنْصَارِ، وَلَوْ سَلَكَ النَّاسُ وَادِياً أَو شِعْباً لَسَلَكْتُ وَادِيَ الأَنْصَارِ وَشِعْبَهَا. الأَنْصَارُ شِعَارٌ، وَالنَّاسُ دِثَارٌ، إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي أَثَرَةً، فَاصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ»: «اگر بخواهید می توانید بگویید: فلان و فلان چیز را به ما بده؛ آیا راضی نمی شوید که مردم با گوسفند و شتر باز گردند و شما با رسول الله به خانه های تان بازگردید؟ اگر هجرت نمی بود، مردی از انصار بودم؛ و اگر مردم به دشت و دره ای بروند، من مسیر دشت و دره ای را در پیش می گیرم که انصار می پیمایند؛ نزد من، انصار از میان مردم نخستین مرتبه را دارند و سایر مردم در مرتبه ی بعدی هستند؛ شما بعد از من شاهد تبعیض خواهید بود، پس صبر و بردباری کنید تا مرا در کنار حوض ملاقات نمایید».

[صحیح است] [متفق علیه]

در جنگ حنین که الله متعال غنایم زیادی برای پیامبرش میسر نمود، ایشان بخشی از غنایم به دست آمده را به اقوامی بخشید تا توجه آنها را جلب نموده و دل های شان را به دست آوَرَد که عده ای از انصار این کار را نپسندیدند؛ اما سایر آنها می دانستند که تصرف رسول الله صلی الله علیه وسلم، تصرفی به حق و درست بوده است؛ زمانی که خبر نارضایتی این عده از انصار به رسول الله صلی الله علیه وسلم می رسد که چرا ایشان غنایم را به اقوامی می دهد که خون شان از شمشیرهای ما می چکد و ما را رها می کند؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور می دهد تا انصار گردهم جمع شوند؛ و پس از جمع شدن آنها می فرماید: «این چه خبری است که از شما به گوشم رسیده است؟» و مساله پیش آمده را مطرح می کند. و اینگونه آنها را سرزنش نموده و اعتراف می کند که پیش از این رسول الله صلی الله علیه وسلم و اسلام را یاری داده اند؛ و دل های شان را به دست می آورد و آنان نیز متوجه می شوند که الله متعال چه اجر و پاداش بزرگی به خاطر همراهی با رسول الله و بازگشتن به خانه های شان با او، برای ایشان در نظر گرفته است؛ علاوه بر اجر و پاداشی که در آخرت برای آنها ذخیره کرده است؛ و در ادامه رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را به صبر و بردباری در برابر تبعیضی دستور می دهد که بزودی با آن مواجه می شوند.